سجاد صفری/ ایران

را شکست

کویرمرکزی ایران تشکیل می‌شده است و هر بار یکی از اقوام ایران به قدرت رسیده است.» به‌همین دلیل درحالی که قاهره ۵۰۰ سال پایتخت مصر بوده است یا استانبول چندین قرن پایتخت عثمانی یا ترکیه بوده است، در ایران طی این هزار سال شاید ۱۵ بار پایتخت عوض شده است که در سه بار آن فقط تبریز پایتخت شده است. از این مسأله می‌توان دریافت که بخشی از بی‌ثباتی در ایران، ناشی از مناسبات تاریخی و اقلیمی ما است. اما امروز معتقدم ما درحال حرکت به سمت آرامش هستیم و این فشارها و تلاطم‌ها آخرین واقعه یا رویداد (بی ثبات ساز) است (که پشت سر خواهیم گذاشت.)

■ بنابراین نامه‌ای که رؤسای کمیسیون‌ها به آقای روحانی نوشتند و گفتند که اساساً باید از مدیریت ۷ ساله خود بازگردید، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

این که بی‌انصافی است.

■ در این نامه، مدیریت کشور به دو نوع «انقلابی» و «غیرانقلابی» تقسیم شده بود.

من به این تقسیم بندی‌ها اعتقاد ندارم، ضمن اینکه معتقدم ما براساس منافع خود صحبت می‌کنیم. باید توجه داشته باشیم که در تاریخ ۸۰۰ سال گذشته ایران، هرگز فشاری به اندازه امروز بر این کشور وارد نشده و تکرار نشده است و بدون تردید ایران، امروز تحت فشارترین کشور جهان است. یعنی فشاری که امروز ایران تحمل می‌کند، هم در تاریخ کشور ما سابقه ندارد، هم در دنیای امروز بی‌سابقه است. امروز ایران یگانه قدرت منطقه‌ای تنهای دنیا است. ما شریک ژئوپلیتیک نداریم. ممکن است این واقعیت از یک سو غم انگیز باشد، اما از سوی دیگر غرورآفرین است. زیرا ما امروز غیروابسته‌ترین کشور جهان هستیم. حتی هند و برزیل که کشورهای هم سطح ایران هستند، شریک ژئوپلتیک دارند، اما ایران یگانه قدرت منطقه‌ای است که هیچ قدرت دیگری بالاسر او نیست. این اتفاق بسیار خوبی است. سؤال این است که در این شرایط، چرا باید در داخل مقابل هم قرار بگیرند؟ آیا الان زمان این است که رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس به آقای روحانی که بدترین فشار تاریخ ایران را تحمل و در همین فشار کشور را هم اداره می‌کند چنین نامه‌ای بنویسند؟ اوایل اسفند سال گذشته در مصاحبه‌ای گفتم که بدترین دوران تاریخ معاصر ایران در آستانه فرارسیدن است. گفتم که ایران دچار بحران منابع ارزی خواهد شد و قیمت دلار افزایش خواهد یافت، این افزایش تا مردادماه ادامه می‌یابد و پس از آن دوباره قیمت ارز سیر نزولی خواهد داشت. به‌همین دلیل معتقدم اگر تا مردادماه دوام بیاوریم، بازی را برده‌ایم. من به رؤسای محترم کمیسیون‌های تخصصی پیشنهاد می‌کنم روشی را که آقای قالیباف در پیش گرفت در پیش بگیرند. این کاری ندارد که صرفاً انتقاد کنیم وضع خراب است. دولت آقای روحانی امروز چه کار دیگری می‌توانست انجام بدهد که انجام نداده است؟ من مدیریت کرونا آقای روحانی را بسیار موفقیت‌آمیز می‌دانم. یا مدیریت دولت در بورس که می‌توانست یک بحران امنیتی برای کشور ایجاد کند، را بسیار موفق می‌دانم. اساساً حرکتی که در بورس صورت گرفت، حرکتی در جهت منافع توده‌های فقیر مردم ایران بود. شما روزنامه نگارها نمی‌روید بررسی کنید که در دو ماه اخیر، یک میلیون خانوار از فقیرترین اقشار ایران، النگوهای بچه‌های خود را فروختند تا سهام بخرند. اگر بورس فرو می‌ریخت، چه کسی می‌توانست کاری بکند؟ این کاری بود که دولت با سرعت انجام داد و البته مقام رهبری هم موافقت کردند که تصمیم بسیار مهمی است. شهریور ۹۷ در مصاحبه‌ای با یورونیوز گفتم اگر این‌ها بخواهند، می‌توانند کشور را اداره کنند. (تجربه کرونا و بورس نشان می‌دهد) که خواستند و توانستند. بنابراین معتقدم از مرداد ۹۷ تا الان، نمی‌توانم هیچ اشتباه تعیین‌کننده‌ای در دولت روحانی پیدا کنم.

■ این عبارت شما است که «باید از نظام جمهوری اسلامی تقاضا کنیم تا ستاد فرماندهی مشابه ستاد ملی مقابله با کرونا برای مدیریت کشور نهادینه کند تا نهادهای اقتصادی موازی، دستورالعمل‌های متفاوت صادر نکنند.»

ببینید! لنین بود که مفهوم حاکمیت دوگانه را در کتاب «دولت و انقلاب» تشریح کرد. البته لنین در این کتاب به وضعیت روسیه بعد از انقلاب فوریه و قبل از انقلاب اکتبر اشاره می‌کند که ۸ ماه بیشتر طول نکشید. لنین می‌گوید در برخی کشورها، در یک دوره بسیار استثنایی تاریخی، دو طبقه اجتماعی با هم، یک حاکمیت را تشکیل می‌دهند و این دو طبقه در رأس قدرت اجرایی با هم کشمکش خواهند کرد تا درنهایت یکی بر دیگری مسلط شود. اساس و ویژگی این دوران این است که کوتاه مدت است، دیگر مانند کشور ما ۳۲ سال طول نمی‌کشد؟ کافی است دیگر! بگذارید مثالی بزنم. مانند هر سال، من در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۹۸ هم شرکت کردم. سال گذشته شرکت در این راهپیمایی برای من اهمیت مضاعف داشت، هم به‌خاطر تحریم‌ها و هم از لج «جان بولتون.» باور نمی‌کنید که من از غصه این حرف جان بولتون که «می خواهم ایران را بی‌ثبات کنم» خواب نداشتم و اگر او بخندد و از رنج ما خوشحال باشد، این ماییم که این بساط را درست کردیم (و شرایط خودمان را سخت کرده‌ایم) نه او. وقتی در راهپیمایی شرکت کردم، از لحظه اول، دیدم برخی از شرکت کنندگان، ترامپ را رها کرده‌اند و به روحانی ناسزا می‌گویند. وقتی هم که آقای روحانی صحبت‌های خود را آغاز کرد، به‌عنوان یک آمارشناس می‌دیدم که همه آمارهای او درست بود و یک کلمه هم دروغ نداشت. اما کارکنان اداره‌هایی که جایگاه‌هایی در راهپیمایی درست کرده بودند، چنان صدای بلندگوهای خود را بالا برده بودند که مبادا صدای آقای روحانی به گوش مردم برسد. انگار اگر دونالد ترامپ سخنرانی می‌کرد، شاید صدای بلندگوهای خود را کمتر می‌کردند.

■ تبعات این وضعیت دوگانه چیست؟

در ماجرای احمدی‌نژاد فهمیدیم که آن جریان به تنهایی نمی‌تواند کشور را اداره کند، این سو هم نمی‌تواند بدون نظر آن بخش، جلو برود. این حاکمیت دوگانه یک جا باید تمام شود. حرف من این است که اگر ما مشکلی داریم، درست اینجا است، وگرنه در ۷ سال دولت حسن روحانی، به جز آن دوره ۷-۸ ماهه و به جز آن سیاست خاص که نسبت به آن انتقادهای بسیار روشن دارم، هیچ عیبی در سیاست‌های آقای روحانی نمی‌بینم. در همه عرصه‌ها موفقیت‌آمیز جلو رفتیم. اکنون هم کمابیش تحریم‌ها را بخوبی مدیریت کردیم. امروز هم حاکمیت تنها باید انسجام خود را بیشتر و یکی کند و با فساد برخورد کند. برخورد با فساد اساساً کار قوه قضائیه است که به نظر من آقای رئیسی امیدوارانه جلو می‌رود و من خوشبینم که در این زمینه هم اتفاقات خوبی بیفتد. اگر این دو سه اتفاق بیفتد، همان طور که پیشتر هم گفتم، تحریم‌ها ایران را به زانو در نخواهد آورد و نیاورده است.

■ این انسجام چطور حالتی است؟ آیا مانند آنچه از لنین مثال زدید، به این معنی است که یک طبقه ذیل طبقه دیگر محو شود یا اینکه شکل دیگری هم قابل تصور است؟

در شرایطی که تضاد اصلی کل نظام، تضاد خارجی باشد، امکان تفاهم در داخل وجود دارد. اما به محض آنکه آن تضاد برداشته شود، بار دیگر چالش‌ها شروع می‌شود. هنگام اجرای توافقنامه برجام گفتم به محض اینکه برجام تصویب شود، نزاع داخلی بر سر منابع بار دیگر آغاز خواهد شد. اکنون به این دلیل ممکن است نزاع‌ها کمتر شود که اولاً کلیت نظام با مشکلاتی روبه رو است، دوم اینکه منابعی وجود ندارد تا بخواهیم سر آن دعوا کنیم. اتفاقاً به همین دلیل دوم است که برخی به این فکر افتادند شاید صحبت با امریکا بد هم نباشد.

■ ائتلاف مسلط حاکم، چه زمانی به یکپارچگی می‌رسد؟

هرگز به یکپارچگی نمی‌رسد، به این معنی که هیچ گاه در هیچ نظام سیاسی انسجام صددرصد و کامل نخواهد بود. در امریکا هم این یکپارچگی کامل وجود ندارد. بحث من ناظر بر حوزه اجرا است، به این معنی که یک قوه یا بخشی از یک قوه، در کار بخش دیگری از همان قوه نگذارد و بگذارد کارها پیش برود. درغیر این صورت این فرآیند به جایی خواهد رسید که مانند امروز امریکا کل کشور را قفل خواهد کرد. دعوای دموکرات و جمهوری خواه همیشه وجود داشت، اما امروز این دعوا امریکا را قفل کرده است. یا در افغانستان، نزاع آقای عبدالله و اشرف غنی این کشور را قفل کرده است. در ایران ۳۲ سال است که این کشمکش‌ها ادامه دارد. در صورت تداوم کشمکش‌ها تا کسی می‌خواهد کار کند، بخش دیگر تلاش می‌کند چوب لای چرخ او بگذارد. وقتی آقای احمدی‌نژاد روی کار آمد، با خودم می‌گفتم دست کم حاکمیت یکدست شد، اما درنهایت دیدیم که این اتفاق نیفتاد، به این معنی که ساختار تاریخی و اجتماعی ما، همواره انشقاق تولید می‌کند.

■ برخی تحلیلگران مانند آقای علوی‌تبار، از مواضع شما به «گردش به راست» تعبیر می‌کنند و این چرخش را ناشی از منافع طبقاتی یا اقتصادی شما یا کارگزاران می‌دانند.

هرکسی از سپهر منافع خود به دنیا نگاه می‌کند، همچنان که باید دید آقای علوی تبار کجای این سپهر ایستاده است. ضمن اینکه بعید می‌دانم افکار ایشان در اساس با من متفاوت باشد. زیرا سطح ثروت و درآمد من و آقای علوی تبار تفاوت چندانی باهم ندارد.

■ در همین گفت‌وگو اشاره کردید که روابط خارجی همواره برای ایران تلاطم ایجاد کرده است. اما شما همان کسی هستید که سال ۹۵ اعلام کردید واسطه‌ها در ایران یا حتی چین، ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار از قبل تحریم‌ها منفعت بردند و همین‌ها هم مخالف برجام هستند. چطور شما امروز می‌گویید که تحریم مسأله ما نیست؟

این‌طور نیست که من با هرگونه مصالحه‌ای مخالف باشم، اتفاقاً بشدت هم از برجام دفاع می‌کنم و معتقدم برجام افق جدیدی برای کشور باز کرد و اگر برجام نبود، ما هرگز شاهد این اجماع بین‌المللی علیه ترامپ نبودیم. برجام یک مصالحه شرافتمندانه بود، اما از سوی دیگر، اتفاقاً براساس برجام است که مخالف مصالحه با ترامپ هستم. به این دلیل که ما در برجام یک مصالحه شرافتمندانه انجام دادیم، اما به محض اینکه معادله قدرت در دنیا بهم خورد، امریکا این مصالحه را بهم زد. ما که گناهی نکرده بودیم یا جمهوری اسلامی که خطایی نکرده بود. از این‌رو معتقدم نه اینکه مصالحه اساساً فایده نداشته باشد، بلکه می‌گویم اصالت ندارد. نکته دیگر اینکه امروز قیمت نفت آنقدر پایین آمده است که مصالحه را از لحاظ اقتصادی بی‌معنی کرده است.

■ آیا مسأله ما صرفاً فروش نفت است؟ مگر نه اینکه امروز تجارت خارجی ما دچار مشکلات اساسی است و حتی برای واردکردن ارز به کشور هم به عراق و امارات وابسته هستیم؟

این مسأله را می‌فهمم، اما ما برجام را بهم زدیم یا امریکا؟ به باور من، تا زمانی که ما به یک قدرت متوازن دست نیابیم، اساساً این مصالحه ممکن نخواهد بود، مگر اینکه مانند ترکمانچای چیزی بدهیم که من با این رویکرد مخالفم. زمانی در کشور دولتی روی کار بود که براساس مصالح خودش، مشکل درست می‌کرد، زیرا نان آن دولت در ایجاد غبار بود. نکته دیگر اینکه وقتی می‌گوییم می‌خواهیم با امریکا مصالحه کنیم، باید ببینیم که آیا این مصالحه مسائل امروز ما را حل می‌کند یا خیر؟ مگر مشکلات اساسی امروز ایران تورم، ناکارآمدی و فساد نیست؟ کدام یک از این مشکلات ناشی از تحریم است؟ امروز پنجاهمین سال ورود تورم ساختاری به ایران است که تنها دو سال آن را در تحریم سپری کردیم. این تورم ساختاری و ناشی از این است که باری که روی دوش دولت می‌گذاریم، به اندازه‌ای زیاد است که دولت ناچار می‌شود اسکناس چاپ کند تا این بار را کم کند. یکی از دلایل یا پیامدهای نوشتن و ارسال نامه رؤسای کمیسیون‌های تخصصی هم همین است. بنابراین مسأله ما داخلی است. یا مشکل ناکارآمدی موجود در کشور ناشی از اندازه بزرگ دولت است. مشکل بعدی فساد است، آیا تحریم‌ها فساد ایجاد کرده است؟ کدام یک از مشکلات بنیادی ما با رفع تحریم‌ها حل می‌شود؟ کدام کشور پس از اینکه به امریکا نزدیک شد، توسعه یافت؟ اصلاً مگر امریکا به کشوری نان می‌رساند؟ چرا مصر یا پاکستان مشکلات بدتری نسبت به ایران دارند؟ تعداد متحدان امریکا که مشکلات جدی دارند، به مراتب بیشتر از تعداد متحدان امریکا است که وضع خوبی دارند و این مدیریت داخلی این کشورها است که آنان را به وضع خوبی از لحاظ توسعه رسانده است.

■ بنابراین به همین دلیل معتقدید که تحریم و کرونا فرصتی برای ما است؟

هیچ‌گاه نه از تحریم حمایت می‌کنم، نه از کرونا، بلکه می‌گویم ذات مناسبات ژئوپلیتیک ایران، به گونه‌ای سرنوشت کشور مرا رقم زده است که اگر یک کشور مستقل نباشد، ما را در خود هضم می‌کنند. ایرانی‌ها قبول نمی‌کنند که در قدرت‌های دیگر هضم شوند. این حرفی است که امروز اردشیر زاهدی هم می‌گوید. آیا زاهدی به پول جمهوری اسلامی احتیاج دارد یا می‌خواهد وزیر خارجه شود؟ وقتی به‌عنوان یک ایرانی به تاریخ نگاه می‌کنید، می‌بینید که ایرانی‌ها نه توانستند قمر یک کشور شوند نه اینکه به تنهایی خود را حفظ کنند. وقتی بریتانیا وارد هند شد، این کشور را مستعمره خود کرد، اما با قرارداد ۱۹۱۹ تلاش کرد ما را نیمه مستعمره بسازد. برای اینکه نمی‌توان ایران را هضم کرد. ایران کشوری نیست که با کسی بسازد. ایران یک قدرت مستقل است. شماها معتقدید که این رویکرد ناشی از ایدئولوژی جمهوری اسلامی است، اما من معتقدم ایدئولوژی جمهوری اسلامی به خاطر این رویکرد است. این روحیه ایرانی‌ها که خودشان را هم طراز امریکایی‌ها می‌دانند، ولو اینکه پای‌شان در مناسبات قدیمی باشد، به ایران اجازه نمی‌دهد که یک قدرت وابسته باشد. وابستگی برای ایران و ایرانی معنا ندارد. وقتی هم که وابستگی معنا پیدا نمی‌کند، ایران ناچار است قدرتمند شود و وقتی هم که قدرتمند شد، تضاد و نزاع هم آغاز می‌شود.

■ بنابراین ما درگیر یک نبرد تعیین‌کننده با امریکا هستیم.

نبرد مرگ و زندگی است و به باور من، آخرین تضاد و چالش از این نوع هم خواهد بود. البته ما پیروز می‌شویم. من به حافظه تاریخی ایرانیان که به شعور ملت ایران متکی است، بسیار امیدوارم. من به چسبندگی تاریخی سرزمین و ملت ایران بسیار امیدوارم. این چسبندگی بسیار نیرومند است. همچنان که من به اقتدار جمهوری اسلامی که چیزی به‌نام امنیت را در ایران پدید آورده است، بسیار امیدوارم. امنیت، نایاب‌ترین گوهر در کل خاورمیانه است. هیچ ایرانی حاضر نیست گوهر امنیت را با هیچ چیز دیگری عوض کند. معتقدم ما به ساخت سیاسی، اقتصاد دادیم و در مقابل امنیت را گرفتیم. امروز از مردم کوچه و خیابان بپرسید که چه کسی از این معامله با جمهوری اسلامی ایران پشیمان است؟ نه در تهران، بلکه در کردستان و بلوچستان هم پشیمان نیستند. با وجود مشکلاتی که کردها و بلوچ‌ها دارند، آنان امنیت را ترجیح می‌دهند. زمانی «کوفی عنان» دبیرکل اسبق سازمان ملل درباره عراق گفت «موقعی که صدام حسین بود، حداقل امیدوار بودیم وقتی بچه‌ها به مدرسه می‌روند، ظهر به خانه‌های خود برمی گردند، الان این امید وجود ندارد.» عراق هم اقتصاد را باخت و هم امنیت را.

■ باوجود همه آنچه که شما در این گفت‌وگو تشریح کردید، برخی همچنان معتقد هستند که سیاست‌های دولت آقای روحانی، تشدیدکننده پیامدهای ناشی از تحریم است.

ببینید! ما در اداره کشور با یک اقتصاد غیرنفتی رکورد محمد مصدق را شکستیم. این واقعیتی است که هم باید مدیران عالی کشور به آن توجه کنند و هم رؤسای محترم کمیسیون‌های تخصصی مجلس آن را بدانند. با همه چالش‌های سیاسی و فقدان انسجام در داخل، بالاخره در دولت آقای روحانی رکورد دکتر مصدق در (اداره کشور) با اقتصاد بدون نفت را شکستیم. از ابتدای فروردین ۹۷ تا امروز نزدیک به ۳۰ ماه از آغاز دور جدید تحریم‌ها می‌گذرد و ما در این مدت موفق شدیم اقتصاد کشور را بدون نفت اداره کنیم. در همین شرایط، امروز ایران هیچ شباهتی با یک کشور قحطی زده ندارد. بله، تحریم‌ها پیامد داشته و دارد. اما نکته اینجا است؛ با توجه به اینکه قرار نیست بار دیگر آقای روحانی رئیس جمهوری شود و با توجه به اینکه او حزب سیاسی و روشنی هم ندارد، به نمایندگان محترم مجلس پیشنهاد می‌کنم با این دولت حداکثر همکاری را بکنند تا دولت موفق شود. زیرا موفقیت این دولت به حساب کسی از رقبای آنان نمی‌رود، روحانی هم که دیگر نمی‌تواند رئیس جمهوری شود، در این صورت چرا نباید براساس مصالح جمهوری اسلامی و منافع خودشان، پایه‌ای داشته باشند تا وقتی در ۱۴۰۰ به قدرت رسیدند، کشور را آسان‌تر اداره کنند؟ به همین دلیل من توجه این دوستان را به این واقعیت‌ها جلب می‌کنم.

■ اما در نهایت دکتر مصدق نتوانست تا پایان توده‌های مردم را با خود همراه نگه دارد و درنهایت با انفعال توده‌های مردم، دولت مصدق هم سقوط کرد.

دکتر مصدق در شکل‌گیری این وضعیت مقصر بود، به این معنی که او به‌لحاظ اقتصادی و سیاسی ایران را غیرقابل مدیریت کرد. اما ما امروز با آن بن‌بست مواجه نیستیم.

■ اما برخی نسبت به واکنش‌های توده‌های پایین جامعه نگران هستند.

من هم بسیار نگران این موضوع هستم، اما معتقدم در سال ۹۶ حتماً دستی از درون ساخت سیاسی، یکی از اجزای شورش‌ها بود، در سال ۹۸ هم بی‌دست نبود و می‌شد جلوی آن اتفاقات را گرفت. قبل از اعتراضات آبان ماه به آقای روحانی پیشنهاد دادم که به مردم کوپن کالاهای اساسی بدهیم. اگر این کوپن‌ها توزیع شده بود، چیزی که بعداً به اسم یارانه‌های نقدی توزیع شد، قطعاً می‌توانست قضیه متفاوت باشد. معتقدم به‌دلیل فقدان انسجام داخلی، دولت به مرحله بی‌تصمیمی رسیده بود و بعد از اینکه این اعتراض‌ها رخ داد، نیاز به یک اقدام مؤثر را جدی‌تر کرد و بعدتر هم که کرونا پدید آمد، ساخت سیاسی در کشور انسجام نسبی را به دست آورد. این انسجام نسبی باید همچنان ادامه یابد، چراکه امروز فشار بر کشور بیشتر از آبان ماه است. در این بین باید حتماً به این مسأله توجه داشته باشیم که مردم ایران متوجه هستند که ما چه زمانی به آنان راست می‌گوییم و چه زمانی راست نمی‌گوییم، یا کجا تقصیر ما هست و کجا تقصیر ما نیست، کجا صادقانه برخورد کردیم و کجا صادقانه برخورد نکردیم. من همیشه از تکرار این خاطره اکراه دارم، زیرا اشک به چشمانم جاری می‌کند. یادم هست زمانی که شهید رجایی در تلویزیون اعلام کرد از صبح فردا، قیمت بنزین به یکباره سه برابر می‌شود. یگانه مدت تاریخ معاصر که قیمت بنزین در ایران از قیمت جهانی آن بیشتر بود، دوره چند ماهه دولت شهید رجایی بود. اما پس از اعلام این تصمیم، در کشور آب از آب تکان نخورد. زیرا مردم می‌دانستند که او صداقت دارد. خاطره دیگری بگویم. در سال ۵۹، یادم هست که از چهارراه گلوبندک تا چهارراه سیروس، شهدا را تشییع می‌کردند و همزمان چند کامیون هم راه افتادند و کمک‌های مردم به جبهه را جمع می‌کردند. در آن زمان نه کسی سلفی می‌گرفت، نه کسی سند جمع می‌کرد. چرا ما دیگر آن یگانگی را نداریم؟ به این دلیل که انسجام گذشته را نداریم. چرا مردم مدیریت دولت در مقابله با کرونا را می‌پذیرند؟ زیرا مسأله را به عینه می‌بینند. پس چرا نباید به مردم بگوییم که درحال نبرد با امریکا هستیم؟ البته، لازمه این پذیرش این است که در بحبوحه این نبرد، دیگر فسادهای کلان در کشور رخ ندهد و در این صورت است که مردم صداقت ما را باور خواهند کرد و همراه خواهند شد.

■ سؤالی که طرح می‌شود این است که از دولت هویدا تا دولت احمدی‌نژاد یا روحانی، چرا در ایران ما انباشت تجربه و انباشت مدیریت نداریم؟

قبول ندارم که انباشت مدیریت نداریم. اما به باور من، ریشه مسأله به این بازمی گردد که ما، یعنی ایران، درحال طی دوران‌گذار هستیم. مرحوم دکتر عظیمی معتقد بود هر ۷ یا ۸ سال، در ایران یک تلاطم شدید اتفاق می‌افتد که همه دستاوردهای آن ۸ سال را باطل می‌کند و ما بار دیگر به ابتدای خط باز می‌گردیم. من (سعید لیلاز) اسم این فرآیند را بازی ماروپله گذاشتم. در بازی ماروپله، ممکن است شما به خانه شماره ۹۹ هم بروید، اما با یک نیش مار بار دیگر به خانه اول برمی گردید، البته در این صورت فقط وقتی فرصت شروع دوباره بازی را خواهید داشت که تاس‌های شما جفت شش بیاید، اما خب، نکته اینجا است که بازی مار و پله فقط یک تاس دارد! یعنی مسأله اساساً غیرممکن می‌شود. منظور اینکه؛ در ۱۰۰ سال گذشته که ما درحال‌گذار بودیم، ۴ عنصر و عامل اساسی، به مثابه هیزمی بوده است که دیگ همیشه جوشان ایران را جوشان نگه داشته است. این عوامل عبارت‌اند از؛ مهاجرت از روستا به شهر، رشد جمعیت، تغییرات و نوسان‌های درآمد نفت و روابط خارجی. به باور من، ما سه عامل را برای همیشه پشت سر گذاشتیم، یعنی مهاجرت، رشد جمعیت و نفت دیگر نمی‌توانند ایران را دچار تلاطم کنند. درباره چهارمین عامل، یعنی روابط خارجی نیز، فشارهایی که امروز تحمل می‌کنیم، آخرین مرحله آن است و به باور من پس از گذراندن این مرحله، ایران به سمت ثبات خواهد رفت. این تلاطم در سیاست خارجی هم به نوبه خود ناشی از ذات اقلیمی و جغرافیایی ایران است. این جمله از «چارلز عیسوی» یا «رودی متـه» است که می‌گوید «در هزار سال اخیر، همه دولت‌های ایران حول حوض

نیم نگاه

■ دوستان ما به‌عنوان رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، درواقع به‌عنوان تازه واردها می‌خواهند بگویند بازی، بازیگران جدیدی دارد. درغیر این صورت، اگر از منظر کارشناسانه به مسائل نگاه کنیم، می‌بینیم که به استثنای فاصله دی ماه ۹۶ تا مرداد ۹۷ عملکرد دولت قابل قبول است. در همه زمینه‌ها موفقیت داشتیم، هم رشد اقتصادی ایران احیا شد، هم توزیع درآمد. قدرت خرید طبقه کارگر ایران که تا سال ۱۳۹۲ در نسبت با سال ۱۳۸۹ حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافته بود، تا پایان سال ۹۶ دوباره احیا شد. یعنی اولین بار در تاریخ ایران بود که قدرت خرید کارگران از طریق افزایش دستمزد اضافه شد

■ در ۱۰۰ سال گذشته که ما درحال‌گذار بودیم، ۴ عنصر و عامل اساسی، به مثابه هیزمی بوده است که دیگ همیشه جوشان ایران را جوشان نگه داشته است. این عوامل عبارت‌اند از؛ مهاجرت از روستا به شهر، رشد جمعیت، تغییرات و نوسان‌های درآمد نفت و روابط خارجی. به باور من، ما سه عامل را برای همیشه پشت سر گذاشتیم، یعنی مهاجرت، رشد جمعیت و نفت دیگر نمی‌توانند ایران را دچار تلاطم کنند. درباره چهارمین عامل، یعنی روابط خارجی نیز، فشارهایی که امروز تحمل می‌کنیم، آخرین مرحله آن است و به باور من پس از گذراندن این مرحله، ایران به سمت ثبات خواهد رفت

■ توجه داشته باشیم که در تاریخ ۸۰۰ سال گذشته ایران، هرگز فشاری به اندازه امروز بر این کشور وارد نشده است امروز ایران یگانه قدرت منطقه‌ای تنهای دنیا است. ما شریک ژئوپلیتیک نداریم. ممکن است این واقعیت از یک سو غم انگیز باشد، اما از سوی دیگر غرورآفرین است. زیرا ما امروز غیروابسته‌ترین کشور جهان هستیم. حتی هند و برزیل که کشورهای هم سطح ایران هستند، شریک ژئوپلتیک دارند، اما ایران یگانه قدرت منطقه‌ای است که هیچ قدرت دیگری بالاسر او نیست. این اتفاق بسیار خوبی است. سؤال این است که در این شرایط، چرا باید در داخل مقابل هم قرار بگیرند؟ آیا الان زمان این است که رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس به آقای روحانی که بدترین فشار تاریخ ایران را تحمل و در همین فشار کشور را هم اداره می‌کند چنین نامه‌ای بنویسند؟

■ امروز هم حاکمیت تنها باید انسجام خود را بیشتر و با فساد برخورد کند. برخورد با فساد اساساً کار قوه قضائیه است که به نظر من آقای رئیسی امیدوارانه جلو می‌رود و من خوشبینم که در این زمینه هم اتفاقات خوبی بیفتد. اگر این دو سه اتفاق بیفتد، همان طور که پیشتر هم گفتم، تحریم‌ها ایران را به زانو در نخواهد آورد و نیاورده است

■ من با هرگونه مصالحه‌ای مخالف نیستم، اتفاقاً بشدت هم از برجام دفاع می‌کنم و معتقدم برجام افق جدیدی برای کشور باز کرد و اگر برجام نبود، ما هرگز شاهد این اجماع بین‌المللی علیه ترامپ نبودیم. برجام یک مصالحه شرافتمندانه بود، اما از سوی دیگر، اتفاقاً براساس برجام است که مخالف مصالحه با ترامپ هستم. به این دلیل که ما در برجام یک مصالحه شرافتمندانه انجام دادیم، اما به محض اینکه معادله قدرت در دنیا بهم خورد، امریکا این مصالحه را بهم زد. ما که گناهی نکرده بودیم یا جمهوری اسلامی که خطایی نکرده بود. از این رو معتقدم نه اینکه مصالحه اساساً فایده نداشته باشد، بلکه می‌گویم اصالت ندارد. نکته دیگر اینکه امروز قیمت نفت آنقدر پایین آمده است که مصالحه را از لحاظ اقتصادی بی‌معنی کرده است

گفت و گوی تصویری

روحانی در اقتصاد بدون نفت رکورد مصدق را شکست

در پنجمین شماره از مجله سیاسی- اجتماعی «جستجو» سعید لیلاز تحلیلگر اقتصادی به این سوال پاسخ می دهد: مسائل سیاسی و اقتصادی ایران به تحریم ها بازمی گردد یا ریشه های داخلی دارد؟ لیلاز معتقد است مشکلات کنونی کشور ناشی از عدم انسجام داخلی، فقدان کارآمدی و فساد است.